

انواع

بخش سوم



اشاره ▼

از نقش‌های کارآمد مشاوران مدارس که در شرح وظایف ایشان نیز بر آن تأکید شده، مشورت‌گری است. از جمله مشورت‌گیرندگان، خانواده‌ها (در مشاوره‌های گروهی) و تک‌تک والدین (در مشاوره‌های غیرگروهی) هستند. توضیح اینکه در اقدامات تشخیصی و سپس اعزام درمان‌جو به مراکز ذی‌صلاح جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم که ضمیمه معرفی‌نامه درمان‌جویان به مراکز درمانی صاحب صلاحیت فرستاده می‌شود، با والدین و هر فرد مؤثر در خانواده فرد آسیب‌دیده کار داریم. کسب اطلاع از ویژگی‌های انواع خانواده و شناخت مکانیزم‌های ارتباطی اعضا در گونه‌های مختلف خانواده جزو دانستنی‌های ضروری مشاوران مدارس است. انگیزه طرح بحث خانواده در شماره‌های اخیر مجله در این جهت است. در شماره حاضر انواع خانواده مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

خانواده از نظر ساختار و سازمان درونی

(الف) قرینه (مقارن)/مکمل
(ب) مرکز‌گرا/مرکز‌گریز
(پ) هم‌بسته/قابل انطباق

الف) خانواده‌های قرینه/مکمل

خانواده‌ها از حیث ارتباط، انجام وظایف و نقش‌های اعضا به شیوه‌های مختلف عمل می‌کنند. اگرچه اغلب خانواده‌های موفق هر دو روش را به کار می‌برند و در واقع، خودشان را تعدیل و تنظیم می‌کنند، و به‌طور معمول هم الگوی خانواده‌های مقارن و در مواردی هم الگوی مکمل را دارند که به توضیح آن می‌پردازیم.

خانواده‌های قرینه (مقارن)

در خانواده‌های مقارن (قرینه) عمدتاً مشابهت در رفتار وجود دارد، رابطه بر تساوی استوار است، اعضای خانواده معمولاً راحت و آزاد تبادل افکار می‌کنند، امکان ابراز وجود دارند، حرف دلشان را بیان می‌کنند، بین افراد هم‌تراز و هم‌سنگ اختیارات و اقتدار برابر وجود دارد، اعمال هر فرد بر واکنش‌های طرف مقابل تأثیر می‌گذارد (علیت حلقوی)، اعضا واکنش‌های بجا و به موقع دارند و معمولاً دارای مهارت‌های لازم هستند. این تیپ خانواده معمولاً شامل زن و شوهرهای شاغل یا خانواده‌های رشد یافته‌تر است. به عبارتی، زوج‌های شاغل و با تفکر، روابط مقارن را بیشتر تجربه می‌کنند. خطر و ریسک این خانواده‌ها عمدتاً در «رقابت» نهفته است. در این خانواده‌ها سعی بر این است که رابطه به‌صورت برابر نگه داشته شود و تفاوت بین اعضا به حداقل برسد.

روابط مکمل

در خانواده‌های مکمل تبادلات رفتاری متضاد است؛ یکی موقعیت برتر و دیگری موقعیت پایین‌تری دارد و (تیپ‌های جسور/فرمانبردار)، نقش‌های اعضای خانواده با انعطاف‌پذیری بیشتری تعریف می‌شود. تفاوت‌های زیاد و نابرابری‌ها در این خانواده‌ها به حداکثر می‌رسد؛ مثل تیپ‌های شخصیتی سلطه‌گر و سلطه‌جو، کنشگر/کنش‌پذیر و منطقی/هیجانی. این موقعیت‌ها بیانگر شاخص قدرت یا ضعف نسبی طرفین یا قدرت آن‌ها برای تأثیرگذاری بر رابطه نیست. هر کدام کاری را انجام می‌دهد که رفتار طرف مقابل را برانگیزد و رفتار هر کدام توجهی است برای بروز رفتار طرف مقابل. به عبارتی، فردی که در موقعیت پایین قرار دارد، ممکن است عملاً قدرت نهان بالایی

کلیدواژه‌ها: خانواده مکمل، ساختار خانواده، خانواده مقارن، مرکز‌گرا، مرکز‌گریز

مقدمه

مادر کار با دانش‌آموزان در می‌یابیم که با خانواده‌های گوناگون (انواع خانواده) با ساختارهای متفاوت روبه‌رو هستیم. نوع، شکل و ترکیب و آرایش نقش‌ها در خانواده عملکرد آن را به‌عنوان یک نظام تحت تأثیر قرار می‌دهد. سبک و نحوه عمل خانواده‌ها، شیوه‌های مقابله آن‌ها با مشکلات را شکل می‌دهد؛ بنابراین، از اولین جلسه مشاوره با مراجع، به‌خصوص مراجع دانش‌آموز، مشاور می‌تواند اطلاعاتی درباره تعداد اعضای خانواده، سن هر یک از اعضا، این که کدام یک ازدواج کرده و کدام یک مجرد یا مطلقه یا هنوز متأهل است، میزان تحصیلات آن‌ها، شغلشان، تحصیلات و شغل والدین و حتی قومیت آن‌ها به‌دست آورد. این اطلاعات به او (مشاور) کمک می‌کند که ساختار خانواده را بشناسد و فرضیاتی را در این خصوص در نظر بگیرد. ساختار، نوع و ترکیب‌های خاص نشان‌دهنده حیطه خاص و تنوع هویت‌ها و پیوندهای اعضاست که نیازمند بررسی است. این موارد کمک می‌کند تا مشاور بتواند طرح درمان خود را پایه‌ریزی کند. گرچه اطلاعات به مرور کامل‌تر و متقن‌تر می‌شوند، در واقع، تشخیص و درمان، هر دو، از همان جلسه اول آغاز می‌گردند. این اطلاعات سرخ‌هایی را در اختیار مشاور می‌گذارد تا بتواند قابلیت‌ها، ضعف‌ها و نکات مثبت خانواده را تشخیص دهد.

تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای خانواده وجود دارد که متداول‌ترین آن‌ها خصوصاً در ایران بدین ترتیب است:

خانواده



نرگس نفر



وقت زیادی را بیرون از خانواده سپری می کنند. احساس تعلق در این خانواده‌ها پایین است. آن‌ها معمولاً بچه‌هایی را تربیت می کنند که از نظر اجتماعی منزوی هستند و از نظر شخصیتی آشفته، درهم ریخته و دوری‌گزین‌اند. نوجوانان به ظاهر مستقل اما ناپخته و نامنسجم متعلق به این تیپ خانواده‌ها هستند.

اعضای این گونه خانواده‌ها، معمولاً متوجه مشکلات هم نیستند. این فاصله و جدایی باعث می شود که اگر نوجوان دچار مشکل است و به کمک نیاز دارد، کار به جایی برسد که دیگر خیلی دیر شده باشد. از این رو، معمولاً دیگران، مدرسه یا قانون آن‌ها را متوجه مشکلات فرزندشان می کنند. در خانواده‌های مرکز‌گیز رابطه‌ها سرد است و اعضای خانواده از هم فاصله دارند. خانواده‌های گسسته از این دسته خانواده‌ها هستند.

در همه خانواده‌ها، دوره‌هایی از صمیمیت و نزدیکی و همین‌طور جدایی و فاصله گرفتن در مراحل و چرخه‌های حیات فردی و مشترک وجود دارد. بعضی از این دوره‌ها با «نوسان» شرایط رشدی خانواده مستلزم پیوند بالا یا سطوح بالاتری از هم‌بستگی خانوادگی است. در مواردی نیز نیاز به انسجام و هویت فردی بالا وجود دارد که فاصله‌هایی در خانواده ایجاد می شود؛ مثل زمانی که نوجوان به دنبال شکل دادن به هویت فردی خویش و تثبیت آن از خانواده فاصله می گیرد. بهترین و مناسب‌ترین شرایط زمانی است که فرد بین هویت فردی و احساس تعلق به خانواده تعادل ایجاد کند، اما همواره افراد بین این دو در نوسانند تا به تنظیم برسند.

پ) خانواده‌های هم‌بسته / انطباق‌پذیر

همه خانواده‌ها با دو بعد هم‌بسته و انطباق‌پذیر مواجه‌اند. منظور از میزان هم‌بستگی در خانواده بررسی خانواده از جهت پیوند عاطفی و سطح ارتباطاتی است که وجود دارد، و انطباق‌پذیری یعنی سنجش خانواده از نظر میزان توانایی و قابلیت برای تغییر و انعطاف‌پذیری.

بعد هم‌بستگی در چهار سطح ۱. گسسته، ۲. جداشده، ۳. متصل، و ۴. به هم تنیده و بعد انطباق‌پذیری در چهار سطح ۱. خشک، ۲. باساختار، ۳. انعطاف‌پذیر و ۴. هرج و مرج گونه مشخص می شوند. مقوله‌های با ساختار و انعطاف‌پذیر دو سطح ملایم عملگرند. در واقع، سطوح بالای به هم تنیدگی یا سطوح پایین هم‌بستگی مشکل‌ساز هستند. در هم‌بستگی توجه به مجموعه‌ای از معیارها اهمیت خاصی دارد؛ از جمله اینکه ارتباطات عاطفی اعضای خانواده چگونه است، روابط والد-فرزندی-هم از جهت کمی و هم از جهت کیفی-در چه سطحی است، آیا هر یک از اعضا حریم خصوصی دارند، روابط زناشویی و

را در دست داشته باشد. ظواهر بیرونی در فرد قوی و کسی که ضعیف است می تواند کاملاً همراه کننده باشد. در یک رابطه مکمل، پاسخ‌های نامشابه ولی همخوان باعث می شوند که یک الگوی به هم پیوسته خاص در طرف مقابل شکل گیرد (پدیده علیت حلقوی). در اغلب خانواده‌های سنتی کمتر متفکر روابط مکمل حاکم است.

در هر دو شکل، یعنی هم خانواده‌های قرینه و هم خانواده‌های مکمل، تا زمانی که اعضا از نقش‌های خود راضی باشند و رابطه درونی بین نقش‌ها به حد کافی وجود داشته باشد تا امور خانواده بگذرد و به وظایف خانوادگی عمل شود، وضعیت خانواده تداوم پیدا می کند.

ب) خانواده‌های مرکز‌گرا / مرکز‌گیز

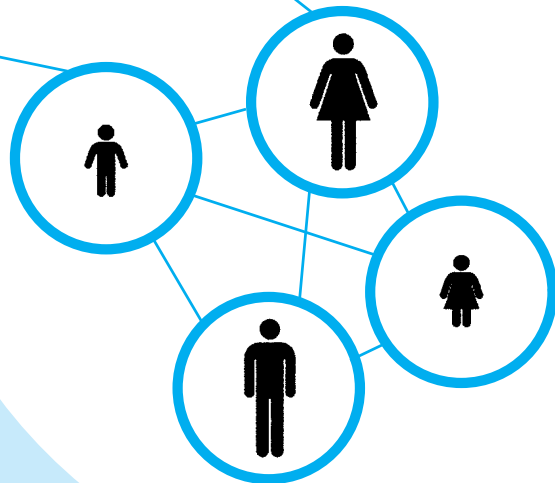
اصطلاح مرکز‌گرا (معطوف به مرکز) برای توصیف تمایل یا حرکت به سمت نزدیکی و صمیمیت خانوادگی، و اصطلاح مرکز‌گیز برای توصیف اینکه افراد چگونه از خانواده‌هایشان دور می شوند (به سمت گسستگی خانواده پیش می روند)، به کار می رود. اگرچه در تمام خانواده‌ها در مراحل و دوره‌هایی هم صمیمیت و نزدیکی و هم به تناسب، فاصله گرفتن از هم وجود دارد، سبک مرکز‌گیز یا مرکز‌گیز بالا، عملکرد خانواده را مختل می کند.

خانواده‌های مرکز‌گرا (هم‌گرا، متفاهم)

اعضای این گونه خانواده‌ها بیش از حد با هم تعامل دارند و از مشخصه‌های بارزشان رضایت بالا از باهم بودن است. آن‌ها از فرزندان بیش از حد مراقبت می کنند و فرزندان آن‌ها انواع نشانه‌های مرضی و روان‌تنی مثل اختلالات خوردن و اسکیزوفرنی را نشان می دهند یا قادر به ترک خانه نیستند، آن‌ها مراحل رشدی را طی نمی کنند، هویت مستقل ندارند (اکثراً هویت تعلیقی دارند) و نمی توانند مستقل باشند، نامتمایزند، تحت تأثیر افکار و هیجانات خانواده قرار دارند. آن‌ها غالباً، محافظه‌کار، مصلحت‌اندیش، پنهان‌کار و ضعیف‌النفیس (حزب بادی)، هستند. در این گونه خانواده‌ها حد و مرزها بسیار آشفته است. هر تغییری تهدید محسوب می شود. حتی تغییرات طبیعی در خانواده، اعضای خانواده را به هم می‌ریزد، تا حدی که تمام تلاششان را می کنند تا به وضعیت تعادل برگردند. آن‌ها با تغییرات مربوط به رشد و انتقال سازگار نمی شوند و به عبارتی، فرصت مواجه شدن با تغییرات را از خود می گیرند.

خانواده‌های مرکز‌گیز

اعضای این خانواده‌ها تمایل زیادی به بیرون از خانواده‌ها دارند و در واقع،



اصطلاح مرکزگرا (معطوف به مرکز) برای توصیف تمایل یا حرکت به سمت نزدیکی و صمیمیت خانوادگی، و اصطلاح مرکزگریز برای توصیف اینکه افراد چگونه از خانواده‌هایشان دور می‌شوند (به سمت گسستگی خانواده پیش می‌روند)، به کار می‌روند. اگرچه در تمام خانواده‌ها در مراحل و دوره‌هایی هم صمیمیت و نزدیکی و هم به تناسب، فاصله گرفتن از هم وجود دارد. سبک مرکزگریز یا مرکزگریز بالا، عملکرد خانواده را مختل می‌کند

پدر: مدتی که خسرو مارو اذیت می‌کنه و نمی‌خواد درس بخونه ما هم می‌خوایم حتماً بخونه و تا مراتب بالا بره.

مشاور: تحصیلات برای شما مهمه؟

پدر: بله، خسرو دوستانی داره که باعث شدن این افکار توی سرش بیاد.

مشاور: خسرو، نظرت چیه، تو چی میگی؟

خسرو: (بدون اعتنا به پدر) من می‌خوام پول دربیارم؛ بعد هم شبانه درسم رو می‌خونم.

مشاور: خوب، فکر کردی چطوری می‌خوای پول دربیاری؟

خسرو: بله، دوست دارم نجاری یا مکانیکی یاد بگیرم.

(خسرو خیلی روی پول تمرکز دارد و پول برایش مهم است. موضوع خسرو کنار گذاشتن تحصیل نیست، بلکه می‌خواهد پول داشته باشد).

مشاور: خوب الان اوضاع پولیت چطوره؟ چقدر پول توجیبی می‌گیری؟

پدر: من پول توجیبی خاصی به خسرو نمی‌دم. هر وقت نیاز داشته باشه، هزار یا دوهزار تومان می‌گیره.

مشاور: وضع مالی پدر را بررسی می‌کند، پدر فقط کار می‌کند و حتی نمی‌داند نیازهای پسرش چقدر و چه چیزهایی است. بعد از همسرش حرف می‌زند که فقط نق می‌زند و وسواس دارد.

در واقع، اعضای خانواده خسرو از هم فاصله عاطفی دارند. پدر سر خودش را با کار بیرون گرم کرده و مادر با کار خانه؛ خسرو هم خودش می‌گوید که دوست ندارد توی خانه باشد و ترجیح می‌دهد به دنبال زندگی خودش برود.

پدر و مادر نقش‌های مکمل دارند؛ پدر صرفاً به کار بیرون می‌پردازد و نقشی در ارتباط با بچه‌ها و خانواده ندارد. مادر هم صرفاً نقش مادری را عهده‌دار است؛ آن هم در حد رتق و فتق امور خانه، و ارتباط کمی و کیفی‌ای با بچه‌ها و همسرش ندارد.

گرایش هر کدام از اعضای این خانواده به کار خودش و کار بیرون است و هم‌بستگی مناسبی در ساختار خانواده دیده نمی‌شود.

برای کار روی موضوع مطرح شده باید روی ساختار خانه کار کرد؛ به نحوی که روی ارتباط خسرو و پدرش و بعد ارتباط پدر و مادر تمرکز شود.

منابع

۱. نیکولز، مایکل پی و شوارتز، ریچارد؛ خانواده‌درمانی، مفاهیم و روش‌ها، مترجمان: محسن دهقانی و همکاران، نشر دانژه، ۱۳۸۷.
۲. گلدینگ، ساموئل؛ خانواده‌درمانی، تاریخچه (نظر و کاربرد)، مترجمان: فرشاد بهاری و همکاران، تهران، انتشارات تزکیه.
۳. مینوچین، سالوادور، فیشمن، اچ چارلز، فنون خانواده‌درمانی، مترجمان: بهاری و فرح سیاح، تهران، انتشارات رشد.

همین‌طور مرزهای زناشویی چگونه‌اند، ارتباطات خانوادگی در چه سطحی صورت می‌گیرد، ارتباط با دوستان و بستگان چگونه است، اعضای خانواده اوقات فراغتشان را چگونه می‌گذرانند، سرگرمی‌ها و تفریحاتشان چگونه است و توجه به علائق در چه سطحی است.

برای بررسی انعطاف‌پذیری توجه به این موارد لازم است: قدرت خانواده در دست کیست؛ به عبارتی، رهبر چه کسی است و چه قدرتی دارد، نظم در خانواده چگونه است، آیا هر کس مسئولیت وظایف خود را می‌پذیرد، تصمیم‌گیری‌ها بر چه مبنایی است و توسط چه کسی صورت می‌پذیرد، تصمیمات یک باره اتخاذ می‌شوند یا حساب شده و طبق اصول و معیار، و نقش‌های داخل خانواده از انعطاف برخوردارند یا خشک و جزمی هستند، قوانین چگونه‌اند؛ شفاف‌اند یا غیرواضح، و انعطاف دارند یا ثابت و خشک‌اند. مواردی که در این ارتباط لازم است مورد توجه قرار گیرند عبارت‌اند از: مهارت‌های گوش دادن، همدلی، شفاف بودن، احترام، پذیرش، صمیمیت و نزدیکی، انسجام کلامی (گفتار)، استدلال‌ها، نوع تفکر، میزان فشارهایی که بر اعضای خانواده وارد می‌شود.

خانواده خسرو مثال مناسبی است برای نشان دادن اینکه خانواده در چه شرایطی است و تشخیص و نوع خانواده از جهت مرکزگریز و مرکزگرا بودن، مکمل و متقارن و هم‌بسته و یا انعطاف‌پذیر بودن.

خسرو نوجوان ۱۶ ساله‌ای است که تا دوم دبیرستان درس خوانده است و او را به کلینیک ارجاع داده‌اند؛ چون دیگر تمایلی به درس خواندن ندارد و ترجیح می‌دهد کار کند.

پدر مشکل خانواده را رفتار خسرو می‌داند. در اولین برخورد سعی شد با خسرو ارتباط برقرار شود. او وقتی وارد اتاق شد، سرش را تکان داد (به نشانه اعتراض) که یعنی این برنامه‌ها چیه؟ **مشاور:** به نظر می‌رسه خیلی راجع به مشاوره نیستی؛ کی پیشنهاد مشاوره رو داده؟

خسرو: بابا اینا (با اشاره به بابا)؛ من می‌خوام کار کنم، اینا مخالفن؛ من فکرهامو کردم.

مشاور: خوب، بذار ببینیم اوضاع چطوره؟ خطاب به خسرو: خسرو چند تا بچه‌اید؟

خسرو: دو تا.

مشاور: تو چندمی هستی؟

خسرو: من اولی‌ام و خواهرم که هشت سالشه، بچه دومه.

مشاور: خوب، مامان و بابا چندسالشونه و چکار می‌کنن؟

خسرو: مامان خانه‌دار، و بابا راننده‌ست.

مشاور: بسیار خوب، راجع به تحصیلاتشون میگی؟